

#### خبرها

**رخشان بنی اعتماد:**

## برای ۳۰ سرنشین نفت‌کش دعا کنیم



**بخش فرهنگی** – رخشان بنی‌اعتماد با اشاره به حادثه‌ای که برای کشتی و خدمه ایرانی آن رخ داده است، نوشت:برای ۳۰ سرنشین نفت‌کش سانچی دعا کنیم.
به گزارش ایسنا، این کارگردان سینما نوشت: «چشم‌به راهتان هستیم. برای ۳۰ سرنشین نفت‌کش سانچی دعا کنیم. ۳۰ قهرمانی که در اتفاکی درون نفت‌کشی سوزان روی دریا حبس شدند. کاش کسی کاری کند. به روایتی فقط ۴۸ ساعت فرصت برای نجاتشان است. کاری که فقط شاید از دولت چین ساخته باشد. به خاطر دسترسی به منطقه و از دولت چین درخواست رسیدگی فوری به مسئله را داریم.»

اوایل هفته گذشته، نفتکش سانچی که تحت مدیریت شرکت ملی نفتکش ایران بوده با یک‌کشتی باری چینی که حامل غله از آمریکا به چین بود در حدود ۱۶۰ مایلی(۳۰۰ کیلومتری) سواحل نزدیک شانگهای برخورد کرد و دچار آتش سوزی شد. این نفتکش که در پاناما به ثبت رسیده، از ایران به مقصد کره جنوبی در حرکت بود و حامل ۱۲۶ هزار تن میعانات بوده است. در این حادثه ۳۲ خدمه این نفتکش مفقود شدند که با پیدا شدن یکی از اجساد در روز گذشته، سرنوشت ۳۱ نفر دیگر مشخص نیست.

.....

## جوایز انجمن کارگردانان آمریکا نامزدهای خود را شناخت

**بخش فرهنگی** – نامزدهای هفتادمین دوره جوایز سینمایی انجمن کارگردانان آمریکا به عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده جوایز اسکار اعلام شد.

به گزارش ایسنا به نقل از ددلاین، در بخش بهترین کارگردانی فیلم بلند جوایز انجمن کارگردانان آمریکا (DGA)، «گیلمو دل‌تورو» برای فیلم «شکل آب»، «گرتا گروینگ» برای فیلم «لیدی برد»، «مارتین مک‌دونا» برای ساخت فیلم «سه بیلبورد خارج از میزوری، ایبتک» «جردن پیل» برای «برو بیرون» و «ریستوفر نولان» برای فیلم «دانکرک» نامزد کسب جایزه هستند که در این میان چهار کارگردان برای اولین بار به جمع نامزدهای این رویداد سینمایی راه یافته‌اند.

«نولان» که پیش از این برای فیلم‌های «ممنتو» (۲۰۰۰)، «شوالیه تاریکی» (۲۰۰۸) و «آغاز» (۲۰۱۰) نامزد جوایز انجمن کارگردانان آمریکا شده بود، امیدوار است چهارمین نامزدی او در جوایز انجمن کارگردانان آمریکا به کسب اسکار کارگردانی نیز منتهی شود، عنوانی که وی هنوز نتوانسته آن را کسب کند. در میان چهار کارگردانی که امسال برای اولین بار نامزد کسب جایزه انجمن کارگردانان آمریکا شده‌اند، «جردن پیل» برای ساخت فیلم «برو بیرون» شانس اول کسب جایزه است. وی چهارمین کارگردان «گریتا گروینگ» کارگردان فیلم «لیدی برد» نیز تنها نامزد زن شاخه بهترین کارگردانی فیلم بلند جوایز انجمن کارگردانان آمریکاست و در حالی که بیشتر افراد گمان می‌کردند او در شاخه بهترین کارگردان اول نامزد می‌شود اما «گروینگ» پیش از این و در سال ۲۰۰۸ کارگردانی مشترک فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» را با «جو سوانبرگ» در کارنامه داشت و بنابراین واجد شرایط رقابت در شاخه کارگردان اول نبود.

از مهم‌ترین چهره‌هایی که امسال نامشان در میان نامزدهای جوایز (DGA) دیده نمی‌شود، «استیون اسپیلبرگ» کارگردان فیلم «پُست» است که در جوایز کلیدی انجمن‌های صنفی سینمایی از جمله انجمن بازیگران (SAG)، انجمن نویسندگان (WGA) و انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) در هیچ شاخه‌ای نامزد نشده است و در جوایز گلدن گلوب نیز از این و در سال ۲۰۰۸ کارگردانی مشترک فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» را با «جو سوانبرگ» در کارنامه داشت و بنابراین واجد شرایط رقابت در شاخه کارگردان اول نبود.

از مهم‌ترین چهره‌هایی که امسال نامشان در میان نامزدهای جوایز (DGA) دیده نمی‌شود، «استیون اسپیلبرگ» کارگردان فیلم «لوکا گوادائینیو» است که در جوایز کلیدی انجمن‌های صنفی سینمایی از جمله انجمن بازیگران (SAG)، انجمن نویسندگان (WGA) و انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) در هیچ شاخه‌ای نامزد نشده است و در جوایز گلدن گلوب نیز از این و در سال ۲۰۰۸ کارگردانی مشترک فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» را با «جو سوانبرگ» در کارنامه داشت و بنابراین واجد شرایط رقابت در شاخه کارگردان اول نبود.

از مهم‌ترین چهره‌هایی که امسال نامشان در میان نامزدهای جوایز (DGA) دیده نمی‌شود، «استیون اسپیلبرگ» کارگردان فیلم «لوکا گوادائینیو» است که در جوایز کلیدی انجمن‌های صنفی سینمایی از جمله انجمن بازیگران (SAG)، انجمن نویسندگان (WGA) و انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) در هیچ شاخه‌ای نامزد نشده است و در جوایز گلدن گلوب نیز از این و در سال ۲۰۰۸ کارگردانی مشترک فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» را با «جو سوانبرگ» در کارنامه داشت و بنابراین واجد شرایط رقابت در شاخه کارگردان اول نبود.

از مهم‌ترین چهره‌هایی که امسال نامشان در میان نامزدهای جوایز (DGA) دیده نمی‌شود، «استیون اسپیلبرگ» کارگردان فیلم «لوکا گوادائینیو» است که در جوایز کلیدی انجمن‌های صنفی سینمایی از جمله انجمن بازیگران (SAG)، انجمن نویسندگان (WGA) و انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) در هیچ شاخه‌ای نامزد نشده است و در جوایز گلدن گلوب نیز از این و در سال ۲۰۰۸ کارگردانی مشترک فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» را با «جو سوانبرگ» در کارنامه داشت و بنابراین واجد شرایط رقابت در شاخه کارگردان اول نبود.

از مهم‌ترین چهره‌هایی که امسال نامشان در میان نامزدهای جوایز (DGA) دیده نمی‌شود، «استیون اسپیلبرگ» کارگردان فیلم «لوکا گوادائینیو» است که در جوایز کلیدی انجمن‌های صنفی سینمایی از جمله انجمن بازیگران (SAG)، انجمن نویسندگان (WGA) و انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) در هیچ شاخه‌ای نامزد نشده است و در جوایز گلدن گلوب نیز از این و در سال ۲۰۰۸ کارگردانی مشترک فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» را با «جو سوانبرگ» در کارنامه داشت و بنابراین واجد شرایط رقابت در شاخه کارگردان اول نبود.

از مهم‌ترین چهره‌هایی که امسال نامشان در میان نامزدهای جوایز (DGA) دیده نمی‌شود، «استیون اسپیلبرگ» کارگردان فیلم «لوکا گوادائینیو» است که در جوایز کلیدی انجمن‌های صنفی سینمایی از جمله انجمن بازیگران (SAG)، انجمن نویسندگان (WGA) و انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) در هیچ شاخه‌ای نامزد نشده است و در جوایز گلدن گلوب نیز از این و در سال ۲۰۰۸ کارگردانی مشترک فیلم «شب‌ها و آخر هفته‌ها» را با «جو سوانبرگ» در کارنامه داشت و بنابراین واجد شرایط رقابت در شاخه کارگردان اول نبود.

## {فرهنگ و هنر }

### نقد رمان «بیوه‌کشی» نوشته یوسف علیخانی

# زنانگی رو به افول

**سندی مومنی**
بیوه‌کشی به‌مثابه آینه‌ای از سنت، فرهنگی را منعکس می‌کند که ریشه در باورهایی خاص دارد. سنت ها اقتدار خود را از پاسداران خود می‌گیرند و این پاسداران نسل‌های پیشین و محافظان امروزی‌اند. مشروعیت سنت، تمایل افرادی است که محافظان آن به‌شمار می‌روند و تصور می‌کنند سنت، وحی منزلی است که می‌بایست در همه زمان‌ها و مکان‌ها رعایت شود. خروجی باورهای سنتی جامعه روستایی، تقدیرگرایی و مقابله با هر پدیده تازه‌ای است که میل به ابراز وجود دارد.

نوسنده، فرهنگ یک جامعه روستایی را به‌تصویر کشیده و روایت قربانی‌شدن زنی را بازگو می‌کند که درنهایت می‌خواهد کوله‌بار خاطرات تلخ و شیرینش را پایین بگذارد و به مقصدی نو ببلندیشد.

بیوه‌کشی در یک نمای کلی ساختاری منجمد دارد. خواننده از یک‌سو با روایت خوابیده‌خانم و هفت‌برادران روبه‌رو می‌شود که نماینده سنت و آداب و رسوم جامعه روستایی است. در این بخش مفهوم خشونت علیه زن برجسته است. از سویی دیگر اُژدر به خواننده معرفی می‌شود؛ او نماینده بخش شیطانی وجود انسان است که به مدد انتقام، تصویر کاملی از شخصیتی سرخورده و ورشکسته را به نمایش می‌گذارد. در این بخش شاهد پیوند بین خرافات که بخشی از باورهای بومی روستا را تشکیل می‌دهد(در ارتباط با هفت چشمه و اژدرماری که در کوه خوابیده است) با حقیقت شیطانی آدمی هستیم. پیوندی که جز نابودی نتیجه‌ای ندارد. بیوه‌کشی علاوه‌بر اینکه در روایتی رئالیستی روستایی را به نمایش می‌گذارد که زخم‌های سنت را بر پیکره خود دارد از طرفی می‌تواند ذهن منجمد انسان در هر زمان و مکان دیگری باشد که نمی‌خواهد میراثش از گذشتگان را به دیده نقد بنگرد.

خوابیده خانم و هفت برادران (سنت و پدیده خشونت)

#### استفاده از عدد هفت در روایت

«هفت شبانه‌روز خواب می‌دید هفت کوزه‌ای که به هفت چشمه می‌برد، به‌جای آب، خون در آن پر می‌شود و هفت‌بار که کوزه‌ها می‌شکنند، آب چشمه‌ها دوباره برمی‌گردد و دیگر خون در آنها جوش نمی‌زند.» (علیخانی،۱۳۹۴: ۹۱)

جملاتی که خواندید، جملات آغاز بیوه‌کشی هستند.

عدد هفت، در سطر ابتدایی رمان س‌ه‌بار تکرار می‌شود. این عدد و قدرتی که در تعبیر و تفسیرش وجود دارد، یکی از پرسامدترین کلمه های رمان بیوه‌کشی در همان صفحه آغازین است که البته به شیوه‌های دیگر در رمان نمود پیدا می‌کند. به‌طور مثال رمان هفت فصل دارد، خوابیده خانم هفت بار ازدواج می‌کند، نام چشمه، هفت چشمه است، مدت زمانی که بیوه‌کشی روایت می‌شود هفده‌سال و هفت‌ماه و هفت‌روز است، اژدر هفت ضربه چاقو می‌خورد و خواب خوابیده خانم هفت‌شبانه روز تکرار می‌شود.

آیا استفاده عدد هفت نماد معنایی ویژه و به‌تعبیری

دیگر منحصر به‌فرد بیوه‌کشی است؟

عدد هفت یکی از پرقدرت ترین اعداد است که در یک معنا نظم مطلق را یادآور می‌شود و نماینده دایره در اشکال هندسی است. به نظر می‌رسد عددهفت معنای تازه و انحصاری خود را در بیوه‌کشی خلق نکرده است و تنها یک استفاده ابزاری از کاربرد این عدد در جهت به‌خاطر‌سپاری خواننده داشته است.

#### خشونت علیه زن به مدد سنت

همان‌طور که اشاره شد بیوه‌کشی با خواب خوابیده خانم همسر بزرگ و مادر عجب‌ناز، شروع می‌شود و در ادامه با مرگ و ازدواج خوابیده خانم با شش برادر شوهرش بسط و گسترش داده می‌شود. لازم به یادآوری است که ازدواج‌های بی‌دربی خوابیده خانم با برادر شوهر‌هایش طبق یک سنت دیرین در روستای شکل می‌گیرد.

نام شوهر اول، بزرگ است و نام آخرین شوهر کوچک! ثمره ازدواج تنها عجب‌ناز از بزرگ است و در این میان بزرگان خانواده همگی از دنیا می‌روند. آیا می‌توان این مرگ‌ومیر در طی تقریبا هیجده‌سالی که رمان روایت گر آن است را کور سوی امیدی از به خاک سپردن این سنت دانست؟ دست‌کم خوابیده خانم که قصد ترک دیار دارد و همین حرکت، نشانه خوبی است.

کانون توجه بیوه‌کشی، سنتی است که زن را وادار به ازواج با برادران شوهر خود می‌کند. بدون حضور خوابیده خانم و مرگ بزرگ، بیوه‌کشی روایت نمی‌شود. بنابراین بیراه نیست اگر بگویم دست مایه بیوه‌کشی پیش از حضور یک سنت نخنما شده، زن و جایگاه او در اجتماع و نهاد خانواده است. تصمیمی که برای زن در جامعه سنتی گرفته می‌شود، اگر از سویی حرف تکراری جامعه مردسالارانه باشد، از سویی دیگر فرصتی برای اندیشه دراین‌گونه سنت هاست. از آنجایی که ادبیات داستانی یکی از پایگاه‌هایی است که در آن کلیشه‌های جنسیتی بازتولید می‌شود، مطالعه نقش زن و خشونت علیه آن می‌تواند موضوع مناسبی برای بررسی بیوه‌کشی باشد.

#### خشونت و تقدیرگرایی در پیوند با سنت

اگر برای سنتی که بیه‌کشی راوی آن است، شکلی هندسی در نظر بگیریم به‌اعتقاد نگارنده این شکل هندسی مثلث است. در راس، سنت قرار دارد و تقدیرگرایی و خشونت قاعده‌ها را تشکیل می‌دهند. سنتی که از آن یاد شد دو نتیجه برجسته دارد:

تقدیرگرایی

برجسته‌ترین خروجی قبول سنت، تقدیرگرایی صرف است. حضرت‌قلی پدرشوهر خوابیده‌خانم اصلا به این فکر نمی‌کند که خودش و میل به زنده نگاه‌داشتن این سنت است که تقدیرش را رقم‌زده است. او در ملاقات کوتاهی که بعد از مرگ عزیز با خوابیده خانم دارد بعد از ماه‌ها لب به سخن می‌گشاید:

«.. این تقدیر و سرنوشت من و پسرانم بوده انگار.

خوابیده‌خانم سرش را گرفت به زمین.

امروز و فرداست که من هم بروم پهلوی پیل آقا و پسرانم بخوابم.

خوابیده‌خانم سرش را بلند کرد که بگوید خدا صدسال شماره عمر بدهه. این حرفان چیه بزنی؟ که حضرت‌قلی جلو حرف‌هایش سد شد و گفت: اینا تعارفه. فکر بکردم این سالان دیکه باید بشینم و ببینم پسرانم یکی یکی بروند خانه خودشان و هی با نوه هایم بازی بکنم اما گاهی روزگار با آدم سر جنگ بگذارد..

خوابیده‌خانم هرچه فکر کرد حرف مهمی تا اینجا نزده بود؛ چرا بلند بشدین؟

حضرت‌قلی قبل از اینکه بیرون برود گفت: تو را خواهشی بدارم. پسران من ره چتر باش..» (علیخانی،۱۳۹۴: ۲۵۲)

جامعه روستایی میلک، نماینده جامعه‌ای بسته و بدون تحرک اجتماعی است که سنت‌ها مقتدرانه بر آن حکمفرمایی می‌کنند.

آیا حضرت‌قلی نمی‌توانست شاهد ازدواج تک‌تک پسرانش باشد؟ آیا اگر این سنت دست‌وپاگیر از زندگی‌شان حذف می‌شد سرنوشتشان جور دیگری رقم نمی‌خورد؟

مسئله سنت‌های اشتباه جدا از شخصیت آدم‌هایی است که این سنت‌ها را اعمال می‌کنند. متاسفانه محافظان سنت‌های پیشین با هر صحبت تازه‌ای سرچنگ دارند و به‌عنوان انسان‌های معاصر در برابر موقعیت‌هایی متفاوت با نسل‌های پیشین شان تفکر نمی‌کنند و راه جدیدی پیشنهاد نمی‌دهند؛ آن‌ها فقط خود را ملزم به اطاعت هرچه از گذشته آمده است می‌دانند.

خشونت

سنتی مبنی بر ازدواج زنی که همسرش را از دست‌داده است با برادر شوهرش به‌خودی خود خشونت علیه جنس زن را به تصویر می‌کشد؛ چرا که حق انتخاب را از زن گرفته است. سرنوشتی است محتمم که بدون در نظرگرفتن میل زن برای او در نظر گرفته شده است. این سرنوشت تعیین‌شده برای زن، سوالی را به ذهن متبادر می‌کند: آیا مقام انسانی زن در حد یک کالا پایین نیامده و او جزئی از مایملک خانواده شوهری محسوب نمی‌شود؟

(البته برای مرد نیز می‌بایست همین مسئله را در نظر گرفت. منتها به‌جهت آنکه برادران بزرگ هیچکدام مشکلی با خوابیده‌خانم ندارند و از طرفی رمان با تمرکز بر موقعیت یک زن روایت شده

است، خشونت علیه این جنس برجسته است. در غیر این صورت سنتی که رمان براساس آن روایت شده است اساسا بی‌اعتنایی به حقوق هر دو طرف است نه تنها زن.)

در بیوه‌کشی علاوه بر نفس سنت که خشونت را با خود حمل می‌کند، شاهد نوع دیگری از خشونت علیه زن هستیم:

#### خشونت زن علیه زن

در بیوه‌کشی، قشنگ‌خانم به‌عنوان مادرشوهر و خوابیده‌خانم به‌عنوان شخصیت اصلی ماجراها و زن‌های دیگر روستا، مشخصا دخترهای دم‌پخت، نسبت به جنس زن خشونت می‌ورزند.

نگاه کنیده به اظهار‌نظر‌های قشنگ‌خان در ارتباط با جنس خودش:

«دل شیر مال پسرانه‌هاست نه دخترانه. دختر باید کم شیر بخورد تا کم‌دل و جرأت‌تر بشود و سر به خانه زندگی بماند. در عوض قشنگ‌خانم حضرت‌قلی پدرشوهرش تشر می‌زد سر زنش که دخترانه‌های ما هم کم از پسرانه‌ها ندارن زن. این ره کی بخواهی کله‌ات فرو بکنی آخه!» (علیخانی،۱۳۹۴: ۱۰۱)

«قشنگ خانم گفته بود: حضرت‌قلی و پدرشوهرم‌هی قربان صدقه‌ام برفتنند که آدم برایشن بیاورم. آدم؟

خوابیده حرف تیز قشنگ خانم را از قلبش نتوانست بیرون بکشد. یعنی دختر آدم نیست؟

البت تو این بار پسر بیاوری.

خوابیده نگاه سنگین‌دانش را روی سرش احساس کرد. حرف را عوض کرد که آی هوس بکردم گوشت کبک ره.

...

بچه نیاوری؟

چه حرفان!

زن مگر جز پسر آوری نوایی هم بیره؟

زن ره خدا مزرعه بساخته با باغبانی مردش.

زن هرچی بیشتر بزایه، در‌های بهشت بیشتر رو به اون باز بشه.» (علیخانی،۱۳۹۴: ۲۱۱)

قشنگ‌خانم و اساسا زن‌های روستایی در امور خانه و بیرون بسیار تاثیرگذار هستند. نقش زن در جامعه روستایی پر تکاپوست. در بیوه‌کشی زمانی که حضرت‌قلی از داغ فرزندانش بی‌رقم، خانه نشین می‌شود، این قشنگ‌خانم است که امور را به دست می‌گیرد. جای تعجب است که قشنگ‌خانم، که خودش زن است، مقام و جایگاه زن را در حد پسرآوری پایین می‌آورد!

از طرفی دختران روستا، سمرقند و ریحانه و خواستگاری از آنان با پیش بگنارد و می‌بینند که برادر‌های جوان، یکی‌یکی همسر خوابیده‌خانم می‌شوند، با نگاه و حرکاتشان خوابیده‌خانم را مقصر می‌دانند.

«خوابیده خانم و عطری شب قبل رفته بودند خانه نوروزعلی. گل خندان خوشامد که گفت، نگاهی به قد و بالای عطری انداخت و توی دلش گفت:

خدا شانس بده.

خوابیده‌خانم نگاه سنگین گل‌خندان را دید و متوجه شد دارد به چی فکر می‌کند. شنیده بود که گفته بودند: هرسال بهتر از پارسال. ریحان حیفالهه و سمرقند و نگار مرمراله بداشت و دوستی گل‌یابا هنوز توی خانه مانده بودند و قحطی جوان افتاده بود توی میلک و آن وقت سمرقند گفته بود: پسره، جای پسرش باشه!» (علیخانی،۱۳۹۴: ۲۵۱)

البته در یک روستای کوچک با آداب و رسوم خاص که برای دخترانش آینده‌ای غیر از شوهر کردن نمی‌توان تصور کرد، این رفتار کاملا عادی ست. اما از درد این مطلب نمی‌کاهد که زنان خود علیه هم هستند. البته در این میان نگار هنوز دوستی خود را با خوابیده‌خانم حفظ کرده است و محبت‌هایش را از عجب‌ناز دریغ نمی‌کند.

خوابیده‌خانم شخص دیگری است که نسبت به‌خودش مرتکب خشونت می‌شود. او دختر ارباب است. به اژدر که پسرخال‌هایش است جواب منفی می‌دهد و با پسر رعیت ازدواج می‌کند آن هم به خاطر علاقه‌ای که به او دارد. از خوابیده‌خانم انتظار می‌رود همان‌طور که با عشق ازدواج کرده است و از اژدر گذشته است، از برادرشوهر‌هایش نیز بگذرد و سرگرم بزرگ‌کردن عجب‌ناز بشود. (البته منظور گذشتن از حقوقش به عنوان یک زن نیست) چرا هربار با سکوتش تن به ازدواج با برادری دیگر می‌دهد؟ سکوت و پذیرش ازدواج از سمت خوابیده‌خانم زمانی آزاردهنده می‌شود که خواننده تصور می‌کند خوابیده‌خانم می‌داند اژدر و کینه‌ای که در دلش است ممکن است به شوهرانش آسیب برساند.

ذکر این مطلب بسیار مهم است که خوانندگان این نوشتار بدانند به‌اعتقاد نگارنده وقتی از مقوله خشونت و خشونت علیه زن صحبت به میان آمده است منظور این نیست که زن تنها نقش قربانی را دارد. با وجود اینکه خوابیده‌خانم می‌توانست با سرپیچی از سنت قهرمان اصلی رمان باشد و طرحی نو درافکند؛ اما در پایان رمان خوابیده‌خانم به‌عنوان زنی که در مسیر هیجده‌سالی که پشت‌سر گذاشته است قدرتمند شده، می‌تواند تصمیم بگیرد و انتخاب کند. او می‌خواهد پشت به روستایش و روبه‌اینده حرکت کند و همین مسئله جایگاه قدرتمند زن را نشان می‌دهد. اگر زن از یک‌سو قربانی سنت است از سویی دیگر می‌تواند حتی پس از سال‌ها درگیر بودن با سرنوشتی ناخواسته، قد راست کند و به آینده بیایندیشد.

فراموش نکنید که خوابیده‌خانم انتقام همه شوهرانش را در پایان رمان می‌گیرد:

«خوابیده خانم از توی شکمش چرخاند و بعد درآوردش. بزرگ داشت آب می‌خورد پای چشمه. صدایش می‌آمد: جلد باش! چاقو دوباره فرو رفت توی تن اژدر.
داش داد می‌زد: این هم بشد تفنگ؟ قتیله‌اش خیسه انگار. سر اژدر تاب برداشت. عزیز می‌گفت: ریسانم حیف که نرسید تا به غار اگر نه بدانستم چکارت بکنم. اژدر غافلگیر شده بود. صدای عطری بود: چوب بازی با چوب جنگی؟ خوابیده چاقوی ششم را روی گلولی اژدر فرو آورد. درویش می‌گفت: آخ که دلم خنک بشد. اژدر زانو زد. امان آمده بود به تماشا: از بالای گردکان دار بدیدم رفت توی غار. چاقوی خوابیده خانم حالا روی پشت خمیده اژدر فرود می‌آمد. کوچک اما نبود. از پای اژدرچشمه فریاد می‌کرد: چکمه‌هام نیست. اژدر به سینه افتاد روی سنگلاخ. دست گذاشت بلند شود خوابیده چاقو را چماق کرد و با دسته شاخ گوزنی‌اش اژدر را هل داد میان سوراخی دل کوه. صدای سنگ‌ریزه‌ها درآمد که تشنه بودند و اژدر را با خودشان می‌برند.» (علیخانی، ۱۳۹۴: ۳۰۰و۳۰۱)

#### چند نکته

نخست: زاویه دید رمان دانای کلی است که قسمت عمده و برجسته‌اش از ذهن خوابیده‌خانم روایت می‌کند و سایر شخصیت‌های رمان. به نظر می‌رسد اگر این زاویه دید به صورت دانای کل محدود رمان را روایت می‌کرد، مشارکت خواننده را برای ذهن‌خوانی دیگر شخصیت‌های رمان بیشتر می‌کرد.

دوم: زبان رمان در قسمت‌هایی تصویری‌هایی کاملا شاعرانه و ادیبانه می‌سازد. در برخی مواقع این زبان، صدای یکی از شخصیت‌های رمان است و به نظر می‌رسد این حجم از شاعرانگی با صدای شخصیت رمان همخوانی نداشته باشد. سوم: زمانی که مشخص می‌شود سوراخی میان کوه است و همین سوراخ قتلگاه هفت‌برادران است، این سؤال در ذهن خواننده نقش می‌بندد که چرا هیچکس به‌وجود این سوراخ بی‌نیردا چهارم: بیوه‌کشی رمان خوشخوانی است که تصویرها و جزئی‌نگاری‌های قابل قبولی دارد. این رمان به خوبی از پس روایت ذهنی و توصیف و به تصویرکشیدن زندگی زنانه و پرداختن شخصیتی انتقامجو به نام اژدر برآمده است. به گمانم توفیق کمی نیست اگر نویسنده بتواند از پس ساختن شخصیت زن به‌خوبی برآید آنچنان که خواننده با او همراه شود و آنچنان کینه را به‌تصویر بکشد که خواننده هیچ دردی از ضرباتی چاقویی که بر پیکر اژدر می‌نشیند احساس نکند.

## شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۶

#### خبر

**علی رفیعی:**

## از مشکل بازیگر در کشورمان رنج بردم



**بخش فرهنگی** – علی رفیعی گفت:من خیلی بابت مشکل بازیگر در کشورمان رنج بردم. بخصوص در کشوری که ۱۵–۱۰ سال برای بازیگر شدن زمان نیاز است ولی امروزه کسانی هستند که دو روزه کارگردان و بازیگر می‌شوند. به گزارش ایسنا، طبق گزارش رسیده، علی رفیعی که در مراسم سالروز تولدش سخن می‌گفت، ادامه داد:در طول این یک‌سالی که گذشت کارهایی فقط به دلیل بازیگر و زندگی پراکنده‌اش و ناسلاماتی‌هایی که نسل جوان ما با آن درگیر است و نتوانسته تکلیف خودش را روشن کند، متوقف شد. این هنرمند خاطرنشان کرد: من در آستانهٔ ۸۰سالگی می‌خواهم کارهای بسیاری انجام بدهم ولی نه اینکه در حین کارم متوجه بشوم که تعدادی بازیگر، اشتباهی انتخاب شدند و بازیگری که با من قرار کار دارد هم‌زمان در سه کار دیگر پنهانی هم حضور دارد.

من تصمیم گرفتم که یک گروهی بین ۲۵\_۲۰ نفر را دعوت به یک ورکشاپ کنم با این امیدواری که این تعداد ثابت، پایدار و مستعد برای پیشرفت بیشتر باقی بمانند. ۹ ، نمایش نامه از میان نویسندگانی که سراغشان نرفتم با کارهایش را اجرا کردم و با آرزو داشتن آن متن را اجرا کنم، انتخاب کردم. من سالن‌های تئاتر را به خوبی می‌شناسم و قرار است برنامه نمایش‌ها متناسب با ابعاد و نیاز نمایش در برخی سالن‌ها تقسیم شود البته امیدوارم سالن‌های شهرازد، تئاترشهر و ایرانشهر به سوپرمارکت تبدیل نشود همانطور که بزرگ‌ترین سال تئاتری ما اینگونه شده است. وی ادامه داد: این کار یک رپر تورا است و افراد بر اساس نیاز تعداد بازیگران نمایش انتخاب میشوند و به‌طور مستمر با ما کار می‌کنند. من از یک دوست آلمانی‌ام که کار بدن را با بازیگر کار میکند دعوت کردم تا در این ورکشاپ یک ماهه همراه ما باشد و با این تعداد هنرمند کار کند. من از میان کسانی که به دلایلی به آنها مراجعه نمی‌کنم، می‌خواهم خودشان پیش قدم شده و متعهد بشوند که با ما کار کنند. رفیعی در بخش دیگری از سخنانش گفت:

این تاسف بار است که تئاتر‌های ما مکانی برای انبار کردن ندارند ولی ما باید با کمترین امکانات مکانی را در اختیار کسانی برای حفظ تجهیزات بگذاریم تا برای دوباره اجرای نمایش از آن‌ها استفاده کنیم چراکه؛ نمایش نباید بعد از یک بار اجرا بمیرد همانطور که در اروپا ما شاهد این اتفاق هستیم که برخی نمایش‌ها چندین بار اجرا میشوند. او در پایان سخنانش گفت: من می‌خواهم این انرژی واپسین سالهای زندگی‌ام را برای خودم، شما و حرفه تئاتر مفید باشم. من کار‌های کمی نسبت به‌سال‌هایی که ایران بودم بر صحنه بردم و تعداد کار‌های بر صحنه نرفته‌من بیشتر از کار‌های بر صحنه من است ولی دیگر نمی‌خواهم اینطور باشم. من از شما یاری، صبر و حوصله می‌خواهم تا این امرغمان را به نتیجه مطلوب برسانم.

سالروز تولد ۷۹ سالگی علی رفیعی، کارگردان، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر پنج شنبه ۲۱ دی ماه سال جاری در مجموعه خانه هنر دهه ۶۰ و با حضور مهدی سلطانی، مریم سعادت، سهیلا رضوی، مهرداد ضیایی، ستاره اسکندری، افسانه ماهیان، فروغ قجابگلو، هوشنگ قاتولو و بازیگران جوان نمایش‌های «پیرما» و «خاطرات کابوس‌های یک جمه‌دار»، جواد طوسی، پیمان شریعتی معاون اداره کل هنرهای نمایشی و رییس مجموعه تئاتر شهر، حمید پورآزادی، اصغر دشتی، منوچهر شجاع، امیر اسمعی، مجید توکلی و محمدرسول صادقی و دیگر دست‌اندازان علی رفیعی برگزار شد.

.....

## برگزیدگان مرحله دوم جایزه داستان کوتاه بهاران معرفی شد

**بخش فرهنگی** – موسسه بهاران اسامی ۳۰ داستان منتخب در مرحله دوم جایزه داستان‌نویسی خود را اعلام کرد. بنا بر اعلام در تازه‌ترین آرزبانی هیئت داوران، ۳۰ داستان از مجموعه آثار آرسالی به مرحله نیمه‌نهایی راه یافته‌اند که روز پنجشنبه، پنجم بهمن ماه، ده داستان از این تعداد به عنوان داستان‌های برگزیدهٔ اولین دورهٔ این جایزه معرفی خواهند شد. «سفیدی» اثر احمد داوری، «در احوال این نیمه روشن» اثر آرش محمودی، اثر مجید صابری، «فرشته» اثر بلک محمدی، «مورچه‌ها» اثر نبود هیچ وقت غمگین باشم» اثر بهناز ذبیحی، «قسم به دست‌ها» اثر راضیه مهدی زاده، «بلوار دریا» اثر سارا اژدر، تاج دینی، «می‌دانید من آنجا نبودم» اثر سارا جمال آبادی، «بنفش‌کبود» اثر سولماز اسعدی، «روز مردگان» اثر شهرام مرادی، «همه‌مانی خانوادگی» اثر عاطفه جلالی، «پرواز روز جمعه» اثر علی مهدی دست سلیمی، «مورچه‌ها» اثر فاخته حسامی‌فرد، «گوم‌گاد» اثر فاطمه کاظمی، «معامله می‌کنم » اثر لیلیا قزوینی، «صف مردگان» اثر مجتبا شول افشارزاده، «مادامال ماهی» اثر مجتبا هژیوی، «پارافین» به مال‌دیو» اثر مهسا علیون، «فش» اثر نجمه سجادی، «زندگی می‌گذرد نادیا» اثر نیلوفر حسن‌زاده، «گپیور» اثر هامون هجاز، «آزول‌ها» اثر وحید منصوری هفشجانی، ۳۰ اثر برگزیده دور دوم این جشنواره هستند.